

«پ» مثل «پول» و «پز»

برخی افراد داشتن موبایل، ماشین، لباس و لوازم خانگی با برندهای غربی را نشانه‌ای از تجدد می‌دانند و از آنها برای فخرفروشی به دیگر افراد استفاده می‌کنند. گسترش این تفکر که استفاده از کالای خارجی، شخصیت می‌آورد به آفتی در جامعه تبدیل شده است.



برخی افراد داشتن موبایل، ماشین، لباس و لوازم خانگی با برندهای غربی را نشانه‌ای از تجدد می‌دانند و از آنها برای فخرفروشی به دیگر افراد استفاده می‌کنند. گسترش این تفکر که استفاده از کالای خارجی، شخصیت می‌آورد به آفتی در جامعه تبدیل شده است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، برخی افراد داشتن موبایل، ماشین، لباس و لوازم خانگی با برندهای غربی را نشانه‌ای از تجدد می‌دانند و از آنها برای فخرفروشی به دیگر افراد استفاده می‌کنند.

گسترش این تفکر که استفاده از کالای خارجی، شخصیت می‌آورد به آفتی در جامعه تبدیل شده است، آفتی که باعث شده درب کارخانه‌های کشور یکی یکی بسته شود و به دنبال آن به تعداد افراد بیکار اضافه شود که به تبع آن آسیب‌های اجتماعی و اعتیاد در جامعه افزایش می‌یابد.

حالا که آغازین روزهای سال نو میلادی طی می‌شود و به ماه‌های پایانی سال جاری رسیده ایم به ارزیابی میزان استفاده مردم از تولیدات ملی می‌پردازیم، البته از یک منظر، آن هم جولان خودروهای ارس پلاک و مدل بالا در بین افراد تجددگرا.

این روزها شاهد جولان خودروهای ارس پلاک در خیابان‌های تبریز و خودنمایی مارک‌ها و برندهای خارجی در دست برخی جوانان تبریزی هستیم.

املی، توریست آمریکایی که چندی پیش به تبریز سفر کرده بود در این خصوص می‌گوید: وقتی به تبریز سفر کردم، خودروها و گوشی و لپ‌تاپ برخی جوانان تبریزی از مارک‌های اپل و شورت، تسلا، جی‌ام‌سی بود.

به اعتقاد او: خرید این مارک‌ها برای یک شهروند معمولی آمریکایی سخت است و فقط افراد مرفه می‌توانند چنین وسایلی داشته باشند.

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست نیز اخیراً زندگی برخی بچه‌پولدارهای ایرانی را مورد توجه قرار داده و گزارش مفصلی از آنها تهیه کرده است.

واشنگتن پُست در این خصوص می‌نویسد: جوانانی هستند که با رانت و ارتباطات در اینستاگرام و در خیابان‌ها زندگی متفاوتی را با لباس‌ها، تیپ‌ها و خودروهایشان تجربه می‌کنند.

"دیدنی فلانی را که چطور در فروغی با پورشه دور دور می‌زد؟ آن که چیزی نیست لامبورگینی فلان آقا را دیدی؟ خوش به حالشان از این نعمات فقط "آه" گفتنش به ما رسیده است". این‌ها بخشی از صحبت‌های بیشتر جوانان تبریزی در مواجهه با تجددگرایان است.

با همه این اوصاف گفت‌وگویی با برخی از جوانان و مردم به اصطلاح لاکچری و یا تجددطلب انجام دادیم تا بدانیم اصلاً آیا آنها خبری از اینکه تولید ملی چیست و یا سوار شدن به پورشه چه شخصیتی به آنها داده است؟ می‌دانند.

اولین گفت‌وگو را با آقای ش. محمودی که در شغل تجارت (بیزینس) مشغول است انجام دادیم و آخرش هم متوجه

نشدیم دقیقا چه کاره هستند!

آقای محمودی دارای یک دختر سه ساله است و هفت سال نیز از ازدواج شان می گذرد ولی هنوز صاحبخانه نشده اند درحالیکه خودروی سواری آنها مازراتی است!

وقتی از او می پرسیم که با پول این خودرو می توانستید یک آپارتمان بخرید و حتی یک خودروی شیک دیگر هم داشته باشید، در جوابم می گوید: حرفتان کاملا درست است ولی آرمان های من خرید یک آپارتمان نقلی در یک منطقه معمولی تبریز نیست بلکه اگر روزی خانه ای هم بخرم از جاهای باکلاس خریداری می کنم و حتی بچه من باید در خانه بزرگ ویلایی بزرگ شود.

به گفته او، اجاره نشینی در مناطق بالاشهر خود حس خوبی دارد و منجر می شود تا مدام با افراد مرفه جامعه در ارتباط باشند.

آنچه در گفته های آقای محمودی عجیب به نظر می رسد این بود که او معتقد است: کلاس بالای خودرو شان منجر شده تا کارهایش در اداره ها سریع راه بیافتد، چراکه وقتی از درب اداره ای با خودروی مدل بالا وارد می شود تاثیر روانی روی مسوولان آن اداره می گذارد و حتی بدون شناخت از مدرک تحصیلی اش، او را مهندس یا دکتر خطاب می کنند.

البته این شهروند تبریزی یارانه نیز دریافت می کند که میزان آن را کم برای هر نفر می داند.

سوژه بعدی این نگاره، سونیا. ن، ۲۰ ساله، دانشجوی معماری که خودروی زیر پایش پورشه ارس پلاک سفید رنگ است.

وقتی از او می پرسیم که این خودرو را چه کسی برای خرید، می گوید: پدرم برای قبولی در دانشگاه برایم خریده است، زیرا قول داده بود که اگر در دانشگاه قبول شوم برایم یک خودروی مدل بالا خواهد خرید و به علت علاقه من به پورشه، این خودرو را برایم خرید.

سونیا میزان دریافتی حقوق ماهانه از پدرش را ماهی 2 میلیون اعلام کرده و می گوید: این میزان صرفا برای جزوه و کتاب و ناهار و قهوه با دوستانش است وگرنه لباس هایم را بیشتر از خارج خریداری می کنم که هزینه آن را پدر و مادرم می پردازد.

وقتی از او در باره اینکه شعار سال چیست و اصلا به گوشش رسیده است یا نه می پرسیم، با اندکی تفکر می گوید: نه نمی دانم ولی تا جایی که یادم می آید در مورد اقتصاد است.

سونیا به گفته خودش برای فقرا احترام قائل است و حتی دلش برای آنها می سوزد و خیلی هم به آنها کمک می کند .

نکته قابل توجه در حرف های این دانشجوی جوان تبریزی عدم اطلاع از یارانه بود به طوریکه وقتی شنید که ماهانه برای هر نفر از سوی دولت مبلغ ۴۵ هزار تومان پرداخت می شود تعجب کرده و می گوید: ۴۵ هزار تومان پول یک بار کافی شاپ رفتن من نمی شود.

نفر بعدی سوژه مان را از فضای مجازی پیدا کردم که با عکس سیت کردن خودروهایش با کمربند و عینک و کفش، فالورهای زیادی جمع کرده است.

با کلی صحبت مبنی بر اینکه آقای محترم ما چشمی به مال و اموال شما نداریم و فقط یک خبرنگار ساده ایم که به دنبال تهیه یک گزارش از تفریحات بچه پولدارهای تبریزی هستیم، راضی شد تا پاسخ دهد.

نام او متین و ۲۲ ساله است و علاوه بر اش کلکسیون خودروهای مشکی براق با مارک های متفاوت آمریکایی، ایتالیایی و

آلمانی است.

به گفته متین، او هیچ هنر و کاری از خود نداشته و همه این رفاه زیر سایه پدر پولدارشان است، البته بین خودروی ارس پلاک و معمولی پلاک هیچ فرقی نمی گذارد و کافی است از یک خودرو فقط خوشش بیاید.

متین می گوید: ماهیانه نزدیک به ۲ و یا ۳ میلیون تومان از پدرش دریافت می کند و کلا برنדיپوش است.

از او می خواهم تا معنای فقر را برایم توضیح دهد، جواب می دهد: فقر یعنی ماشین مدل بالا و خونه شیک نداشته باشی، فقط همین ها به ذهن ام می رسد.

وقتی میزان یارانه در کشور را از او پرسیدم اظهار بی اطلاعی کرد.

متین معتقد است: به نظرم یک تا ۲ میلیون به خانواده ها بدهند و الان شاید من هم تحت نظر پدرم یارانه دریافت می کنم.

سعید بیات، جامعه شناس به خبرنگار فارس در رابطه با تاثیرات شکاف طبقاتی می گوید: رژه برخی اتومبیل های بسیار گران قیمت در خیابان های شهر، واردات خودروهای میلیاردی به کشور و هزاران موارد دیگر از قبیل برج های آسمان خراش با نماهای عجیب و غریب از جمله مواردی هستند که شکاف طبقاتی در جامعه را نشان می دهند و نابرابری در جامعه را بر سر افراد ضعیف و به اصلاح طبقه پایین می کوبد.

این جامعه شناس معتقد است: زمانی که فردی با اتومبیل بسیار گران قیمت و خاصی در خیابان ها دیده می شود به نوعی این کار را برای رو کم کردن و کور کردن چشم جامعه و افراد فقیر انجام می دهد.

او اصطلاح نوکیسه گان و یا تازه به دوران رسیده ها را برای افراد تجددگرا مناسب می داند و می گوید: در واقع شرایط اقتصادی و مسائلی مانند تحریم ها، رانت و یا توزیع نامناسب پول سبب می شود که عده ای یک شبه ثروت باد آورده ای را به دست آورند، در حالی که این افراد فاقد منزلت اجتماعی هستند و پیش از این نیز افراد ممتازی در جامعه نبوده اند، بنابراین سعی می کنند این کمبود را با پول معاوضه کنند.

بیات در توضیح بیشتر می گوید: در حال حاضر از طریق فضای مجازی با عروس، دختر، پسر و همسر برخی تازه به دوران رسیده ها آشنا می شویم که از روی عقده و کمبودهای گذشته خود در حال نمایش زندگی لاکچری خود هستند و با استفاده از رژه ثروت، کمبود منزلت اجتماعی خود را جبران می کنند.

او اضافه می کند: رژه ثروت در یک جامعه ای نشان از وخامت اوضاع نابرابری و شکاف های اجتماعی دارد.

کارشناسان معتقدند رفتارهای فخر فروشانه و تجددگرایانه برای افراد مرفه امری طبیعی است و شاید هر یک از افراد جامعه هم در آن موقعیت قرار بگیرند چنین رفتار خواهند کرد، اما افراط بیش از حد در این مسائل به دلیل ناهنجاری های اقتصادی چون یک شبه پولدار شدن در یک اقتصاد رانتی - نفتی بیشتر اتفاق می افتد.

به اعتقاد آنها تحریک کنندگی و عقده زایی، اولین اثر آن در خیل افراد جامعه است. راه آن نیز فقط و فقط آموزش و اصلاح سبک زندگی و ضمناً اصلاحات اقتصادی برای کاهش رانت و فاصله طبقاتی است.

گزارش از کتیون حمیدی